



## بیانات در محفل انس با قرآن کریم - 6 / خرداد / 1396

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

و الحمد لله رب العالمین و الصلّٰة و السّلام علی سیدنا و نبینا ابی القاسم المصطفی محمد و علی آلہ الاطیبین  
الاطهرین المنتجبین سیما بقیة الله فی الارضین و لعنة الله علی اعدائهم اجمعین.

خیلی جلسه‌ی شیرین و مطلوب و پُربرکت و ان شاء الله پُر فایده‌ای بود. ماه رمضان بر همه‌ی شما، بر همه‌ی قرآنیان مبارک باد؛ ان شاء الله. شروع این ماه مبارک را - که یکی از مهم‌ترین خصوصیات این ماه مبارک، نزول قرآن، انس با قرآن و تلاوت قرآن است - امروز با تلاوت آیات کریمه‌ی قرآن در اینجا شاهد بودیم و حقاً و انصافاً بهره بردیم؛ واقعاً استفاده کردیم. من تشکر میکنم از برادرانی که زحمت کشیدند، این جلسه را و این برنامه‌ریزی را ترتیب دادند، انجام دادند؛ خیلی خوب بود.

بحمد الله گل‌های قرآنی از سرتاسر این بوستان بزرگی که اسمش ایران است، دارد یکی‌یکی میشکند و خودش را نشان میدهد. بذر مبارک قرآن در این سرزمین پاشیده شده؛ این هنر انقلاب است، این هنر نظام اسلامی است. در گذشته این جور نبود؛ در دوره‌ی کودکی ما و جوانی ما، قرآن به معنای واقعی کلمه در این کشور مهجور بود؛ [البته] گوشه‌وکنار کسانی بودند که عاشقانه و مجدانه دنبال فراگیری قرآن یا تعلیم قرآن یا انس با قرآن بودند، لکن فضای عمومی بکلی [با قرآن] بیگانه بود؛ این خبرها نبود. امروز بحمد الله فضای عمومی کشور با قرآن آشنا است؛ شما می‌بینید جوانها، نوجوانها، کودکان، در سنین مختلف، از نقاط مختلف کشور، با قرآن انس دارند، با قرآن سروکار دارند؛ تلاوت میکنند، تأمل میکنند، تدبّر میکنند.

پیشرفت تلاوت قرآن هم در کشور خیلی خوب بوده است. خب از اوّل انقلاب، ما شاهد تلاوت‌های خوب قراءمان هستیم؛ پیشرفت‌ها را انسان به‌طور محسوسی مشاهده میکند. آرزوهایی که داشتیم برای اینکه تالیان قرآن و قاریان قرآن که این کارها را انجام بدهند، این جوری بخوانند، این جوری تدبّر کنند، این جوری بفهمند آیه را، این جوری القاء کنند آیه را - اینها آرزوهایی بود که همیشه داشتیم - بحمد الله یکی‌یکی این آرزوها دارد برآورده میشود؛ اساتید خوب، خوانندگان خوب، جوانان خوب، نوجوانان خوب؛ خدا را شکر؛ ولی این اوّل کار است. عقب‌ماندگی ما در زمینه‌ی انس با قرآن و بهره‌مندی از قرآن خیلی زیاد است. اینها قدم‌های اوّلی است که باید انجام بگیرد. بنده بارها گفته‌ام، باز هم تکرار میکنم که این جلسات و این نشست‌ها و این توصیه‌کردن‌ها و این کارهایی که انجام میگیرد، همه مقدمه است برای اینکه فضای کشور و ذهنیت عمومی مردم ما، فضای قرآنی بشود و ذهنیت، با قرآن انس بگیرد و [مردم] با مفاهیم قرآنی انس بگیرند؛ مهم این است.

اگر با قرآن انس گرفتیم، آن وقت این فرصت و این مجال پیدا خواهد شد که صاحبان فکر از قشرهای مختلف، بر روی نکات قرآنی تدبّر کنند، چیزهایی را از قرآن استفاده کنند، استنباط کنند، بفهمند و به سؤالات گوناگون جواب بدهند. منظورم از سؤالات، شبهه‌ها نیست؛ منظور سؤالات درباره‌ی زندگی است، زندگی کردن. الان میلیون‌ها سؤال در مقابل ما است. وقتی که یک جامعه‌ای با یک حکومتی، زندگی را به سمت آرمانهایی دارد حرکت میدهد و حرکت میکند، این [جامعه] با هزاران سؤال مواجه است؛ در نوع ارتباطات، در نوع رفتار، در نوع موضع‌گیری‌ها، در نوع دشمنی و دوستی‌ها، در نوع برخورد با مال، در نوع برخورد با امور دنیا؛ اینها همه سؤالاتی است که مطرح است؛



همه‌ی این سؤاها جواب دارد. بشریت گمراه و بدبخت شد، به خاطر اینکه جوابهای درست این سؤاها را پیدا نکرد. بدبختی امروز دنیا - و بشر - به خاطر این است که جوابهای درست را به این سؤاها بلد نشد، فرا نگرفت؛ پاسخهای غلط، پاسخهای انحرافی، پاسخهای گمراه‌کننده دریافت کرد، به ذهنش رسید، عمل کرد، [لذا] امروز رسیده به اینجا؛ دنیا امنیت ندارد، صفا ندارد، معنویت ندارد، آرامش روحی ندارد، دل‌های آحاد جامعه با یکدیگر صاف نیست؛ این وضعیت امروز دنیا است، همه‌ی دنیا این جور است.

انسانها برای ارتباط خلق شده‌اند، دلها باید باهم مرتبط باشند، به هم محبت بورزند، به یکدیگر کمک کنند. انسانها باید مثل یک تن واحد در دنیا [باشند]؛ اصلاً بشر این جور ساخته شده، این جور تدبیر شده؛ اما امروز شما نگاه کنید ببینید همه‌جا جنگ، همه‌جا ناامنی، همه‌جا ترس، همه‌جا گمراهی، همه‌جا دوری دلها از یکدیگر؛ خانواده‌ها متلاشی؛ اختلاف طبقاتی فاحش؛ عده‌ای برخوردار و بهره‌مند، عده‌ای محروم؛ اینها همه به خاطر این است که سؤالات زندگی درست جواب داده نشده، غلط فهمیده شده؛ آن وقت این نظامهای اقتصادی و سیاسی کج و معوج در دنیا به وجود آمده و بشریت، مبتلا است؛ میلیاردها انسان، مبتلای این وضعیتند؛ حتی آنهايي که برخوردار هستند هم مبتلایند. این جور نیست که وقتی ما می‌گوییم اختلاف طبقاتی هست، یعنی آن کسی که فرض بفرمایید به قول معروف جزو یک درصد جامعه‌ی آمریکایی است، خیلی راحت و خیلی خوش است؛ نه، او هم بدبختی‌هایی، گرفتاری‌هایی، مشکلاتی - روحی، روانی - در زندگی خودش دارد که الی‌ماشاءالله، گاهی از گرفتاری‌های آدم فقیر بیشتر است؛ یعنی همه گرفتارند. جامعه‌ای که راه درست را نشناسد، صراط مستقیم را نشناسد، با خدا مرتبط نباشد، اینطور است. این جوامع بشری متأسفانه امروز دچار یک چنین ضلالت و گمراهی‌ای هستند. اینکه شما این همه تکرار میکنید و گفته‌اند تکرار کنید «اهدنا الصراط المستقیم»، (۲) به خاطر همین است. صراط مستقیم یعنی آن راهی که این آنها، این مشکلات در آن وجود ندارد؛ این معنای صراط مستقیم است. دائم از خدای متعال میخواهید که شما را هدایت کند؛ این هدایت در قرآن است. اگر با قرآن انس گرفتیم، اگر قرآن را درست فهمیدیم، اگر در قرآن تدبیر کردیم، آن وقت پاسخ درست به سؤالات زندگی به ما داده خواهد شد؛ بایستی برویم دنبال این، این چیز مهمی است. جوانان عزیز، حالا ان شاءالله هرچه با قرآن بیشتر انس بگیرید، این حقایق بیشتر برای شما آشکار خواهد شد؛ هرچه از این شربت گوارا بنوشید، بیشتر مشتاق خواهید شد، بیشتر تشنه خواهید شد؛ قرآن این جور است.

خب امروز جامعه‌ی اسلامی هم مثل بقیه‌ی جوامع دچار مشکل است. شما نگاه کنید ببینید در دنیای اسلام چه خبر است. در دنیای اسلام یک عده انسانهای بی‌ارزش و نالایق و پست، سرنوشت برخی از جوامع اسلامی را در دست گرفته‌اند؛ مثل همین دولتهایی که مشاهده میکنید؛ سعودی و امثال اینها. اینها به خاطر دوری از قرآن است، اینها به خاطر عدم آشنایی با حقایق قرآنی است. البته یک مقداری عدم آشنایی است، یک مقداری عدم ایمان است. بظاهر معتقد به قرآنند، گاهی میلیون‌ها نسخه‌ی قرآن هم چاپ میکنند، مجانی هم اینجا و آنجا تقسیم میکنند، اما به محتوای قرآن، به معنای قرآن، به مضمون قرآن هیچ اعتقادی ندارند؛ قرآن می‌گوید «اشدأء علی الکفار رُحَمَاءُ بَیْنَهُمْ»، (۳) [ولی] اینها «اشدأء علی المؤمنین، رحماء مع الکفار» هستند. شما ملاحظه کنید ببینید وضع اینها چه جور است؛ با کفار مأنوسند، [به آنها] علاقه‌مندند، برای آنها از اموال ملتشان [خرج میکنند]؛ چون خودشان که مالی ندارند؛ این پولهایی که اینها دارند و در حسابهای بانکی‌شان متراکم شده و این ثروتهای افسانه‌ای، اینها مال کیست، اینها از کجا آمده؟ اینها ارث پدری که نیست؛ اینها پول نفت است، پول معادن زیرزمینی است، پول ثروتهای ملی است؛ به جای اینکه صرف بهبود زندگی مردم بشود، میرود در حسابهای اینها متراکم میشود، از آن استفاده‌ی



شخصی و خصوصی میکنند؛ این پولهای مردم را تقدیم میکنند به کفار، به دشمنان مردم. وَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ إِلهَةً لِيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا \* كَلَّا سَيَكْفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمْ وَيَكُونُونَ عَلَيْهِمْ ضِدًّا؛ (۴) احمقها خیال میکنند که با دادن پول و کمک کردن و با این چیزها میتوانند صمیمیت دشمنان اسلام را جلب کنند، [درحالی که] صمیمیتی وجود ندارد؛ همان طور که خودشان هم گفتند، مثل گاو شیرده [هستند]؛ شیرشان را میدوشند، وقتی که دیگر شیر نداشتند، ذبحشان میکنند. این وضع امروز دنیای اسلام است؛ با آنها آن جور، آن وقت با مردم یمن این جور، با مردم بحرین این جور؛ رفتارهای ضدّ دین. البته اینها نابودشدنی هستند. ظواهر را که نگاه کنید، این ظواهر نباید کسی را گول بزند؛ اینها رفتنی هستند، اینها ساقطشدنی و نابودشدنی هستند. إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا؛ (۵) اینها باطلند و قطعاً دچار زوال و سقوط و بدبختی و فروافتادگی خواهند شد؛ در این هیچ تردیدی نیست. البته ممکن است چهار صباح زودتر یا دیرتر انجام بگیرد؛ بستگی دارد به اینکه مؤمنین، جامعه‌ی مؤمن، چه جوری عمل بکند؛ اگر درست عمل بکند، این اتفاق زودتر می‌افتد؛ اگر درست عمل نکند، این اتفاق چهار صباح دیرتر می‌افتد؛ اما حتماً این اتفاق می‌افتد. هم اینها، هم آن کسانی که اینها چشم امیدشان به آنها است، همه ساقطشدنی هستند.

آنچه آینده دارد، آن اسلام است، آن قرآن است، آن شما جوانهای مؤمن هستید؛ آنکه آینده دارد شما جوانان مؤمن هستید. الان میخواندند که «وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا»؛ (۶) چه کسی از خدا راستگوتر است؟ چه کسی از خدا به آینده عالم‌تر است؟ و خدای متعال این را فرموده است که آینده متعلق است به مؤمنین، متعلق است به صالحین، متعلق است به مجاهدین فی سبیل الله؛ در این هیچ تردیدی نیست؛ این یک وعده‌ی الهی است. اما اگر کسی دچار وسوسه و تردید هم بشود، وعده‌ی الهی هم دل او را آرام نکند، تجربه‌ها باید دل او را آرام کند. بنده مکرر این را عرض میکنم و با همه‌ی وجود اعتقاد به این معنا دارم. اگرچنانچه هیچ وعده‌ای هم به ما داده نشده بود، با این تجربه‌هایی که ملت ایران از سی و چهار سال پیش به این طرف دارد، باید یقین میکرد که آینده متعلق به او است؛ باید یقین میکرد که پیروزی متعلق به او است. ما کسانی هستیم که در کشورمان یک حکومتی بر سر کار بود که همین مغالزه و معاشقه‌ای که میبینید حکام آمریکا با آن بیچاره‌ها -عقب‌افتاده‌های فکری و عقلی و همه‌چیز- انجام میدهند، همین مغالزه (۷) را آن روز با حکومت ایران انجام میدادند؛ خیلی بیشتر، خیلی بهتر. صریحاً میگفتند «شما ژاندارم ما در خلیج فارس هستید»، به حکومت طاغوت ما این حرف را میزدند. آنها، هم عقلشان بیشتر از اینها بود، هم توانایی‌هایشان زیاد بود، اتکانشان هم به این طواغیت، بیشتر از اینها بود و ارتباطاتشان قوی‌تر بود؛ درعین حال که یک چنین حکومتی بر سر کار بود، ملت ایران توانست با قدرت ایمان، با مجاهدت، با فداکاری، این حکومت را علی‌رغم همه‌ی پشتیبانی‌های جهانی‌ای که از او میشد ساقط کند و به جای او چیزی را سر پا کند که قدرتهای استکباری طاقت دیدن آن را ندارند؛ یعنی نظام جمهوری اسلامی؛ این یک تجربه. دیگر از این تجربه بهتر؟ ولاتهنوا ولا تحزنوا و انتم الاعلون ان کنتم مؤمنین؛ (۸) ایمان اگر [حاصل] شد، شما برترید. در راه ایمان قوی باشید، صریح باشید، ثابت قدم باشید؛ بنده اصرار دارم که در زمینه‌ی ذکر مبانی اسلامی، آحاد ملت ایران و مسئولین کشور صریح باشند. همین آیاتی که این جمع خوش‌خوآن، اخیراً خواندند؛ قد کانت لکم اسوة حسنة فی ابرهیم و الذین معه اذ قالوا لقومهم انا برءوا منکم و مما تعبدون من دون الله کفرنا بکم و بدا بیننا و بینکم العداوة و البغضاء ابدًا حتی تؤمنوا بالله وحده؛ (۹) این است دیگر؛ با صراحت [میگوید] «کفرنا بکم». هیچ منافاتی ندارد؛ حالا بعضی‌ها در فکر این هستند و دغدغه‌ی این را دارند که خب یک حکومت و یک دولت باید ارتباطات جهانی داشته باشد؛ بنده هم کاملاً معتقدم و تأیید میکنم این گرایش را؛ اما منافاتی ندارد؛ میتوان با صراحت، مبانی خود و اصول خود را گفت و پیش هم رفت، توفیق هم پیدا کرد در همه‌ی مسائل گوناگون زندگی، از جمله ارتباطات بین‌المللی؛ میشود این کارها را کرد. وارد بشوند، قدم در میدان بگذارند، به خدا توکل کنند، خواهند دید که میشود.



تجربه‌ها این است دیگر.

آن روز به جمعی که اینجا بودند گفتم، (۱۰) حضرت ابراهیم، پیغمبر با آن عظمت، به خدای متعال می‌گویید میخواهم زنده شدن مرده‌ها را ببینم؛ خداوند متعال می‌فرماید: قَالَ أَوْ لِمَ تُؤْمِنُ، قَالَ بَلَى؛ چرا، ایمان دارم، یعنی کاملاً قبول دارم، تصدیق دارم، از ته دل قبول دارم؛ وَ لَكِنَّ لِيَطْمَئِنَّ قَلْبِي، (۱۱) لکن برای اینکه دیگر تلاطمی در ذهن من نباشد؛ خاطر آرام آرام [باشد میخواهم ببینم]. بعد آن وقت خدای متعال فرمود خیلی‌خب این کارها را بکن، تا به چشم خودت ببینی که خدای متعال مرده را این‌جوری زنده میکند. خب ما به چشم خودمان دیدیم؛ ما به چشم خودمان دیدیم که یک ملت با دست خالی در جنگ تحمیلی پیروز شد؛ یک ملت با تازه‌کار بودن در مسائل سیاسی و بین‌المللی، بر توطئه‌های دشمنان پیروز شد؛ یک ملت با اینکه در مقابلش یک جبهه‌ی قدرتمند مادی شکل گرفته که از پشت خنجر میزنند، از جلو شمشیر میکشند، هیاهو میکنند، عریده میکشند، فلان میکنند، چهل سال است علیه ما دارند مرتب توطئه میکنند، چهل سال هم هست مرتب توطئه‌هایشان خنثی میشود؛ اینها را مگر نمی‌بینیم؟ اینها همان تجربه‌های ما است؛ این تجربه‌ها را در نظر بگیریم و بدانیم که راه پیشرفت قوی، قدرتمندانه، با عزت و موفق عبارت است از ارتباط با قرآن؛ مادر همه‌ی این خیرات، این کتاب عزیز الهی است که الحمدلله شما با آن آشنا هستید، با آن انس دارید، کسانی از شما آن را حافظند، کسانی تالی و قاریند، کسانی مستمعند، کسانی استادند. [پس] اصل کار، این قرآن است.

خب، حالا جلسات قرآنی را افزایش بدهید، هرچه میتوانید تعلیم و تعلم قرآن را زیاد کنید؛ معانی قرآن، مفاهیم قرآن، اینها را زنده کنید. این را من به تلاوتگران عزیزمان - که امروز خوشبختانه بعضی از آقایانی که خوانند این جهت را خیلی خوب رعایت کردند - عرض میکنم که در کیفیت خواندن، مفهوم آیات قرآنی را مجسم کنید؛ همچنان که یک گوینده‌ی خوب و خوش‌زبان، مثلاً وقتی شعری را میخواند، کلمات را آن‌چنان ادا میکند که همه‌ی معنای آن کلام برای مستمع زنده میشود - مثل همین مجری خوش‌زبان امروز ما - (۱۲) وقتی که خوب صحبت میکنند، خوب شعر بخوانند، خوب حرف بزنند، کلمات را با لحن مناسب خودش ادا میکنند، همه‌ی آنچه از معنا و مضمون در این کلمه وجود دارد، همه تحویل داده میشود به مستمع و مستمع این را تحویل میگیرد؛ تلاوت قرآن باید این‌جوری باشد؛ همه‌ی آنچه از مضمون در این کلمه هست، با بلند خواندن و آهسته خواندن و اوج گرفتن و پایین آمدن و تغییر صوت و نوع ادا، بایستی خودش را به مخاطب ارائه بدهد؛ البته برای کسانی که معنای قرآن را میدانند. پس بنابراین زبان قرآن را باید یاد گرفت. هرچه ممکن است با زبان قرآن بیشتر انس بگیرید. اینهایی که با قرآن انس دارند، خیلی‌شان عربی هم نخوانده‌اند، اما قرآن را وقتی میخوانند، معنایش را میفهمند. ما زیاد دیده‌ایم افرادی را که عربی کلاسی و درسی و برنامه‌ای هم نخوانده‌اند اما از بس با قرآن انس پیدا کرده‌اند و تکرار کرده‌اند و خوانده‌اند آیات قرآنی را، وقتی که [قرآن را] باز میکنند و یک آیه‌ای را میخوانند، معنای آیه را میفهمند. با انس زیاد، معنای آیه را میشود فهمید. باید ارتباطمان با قرآن زیاد بشود.

پروردگارا به محمد و آل محمد، ارتباط ما - ارتباط قلبی ما، ارتباط شبانه‌روزی ما - با قرآن را روزبه‌روز افزایش بده؛ ما را از برکات قرآن و از نعم قرآن و از رزق قرآن برخوردار بفرما؛ ما را از کسانی قرار نده که از قرآن فقط الفاظ آن را فرا میگیرند و به آن اکتفا میکنند. پروردگارا! لطف خودت و فضل خودت را بر این کشور، بر این ملت با رساندن این ملت به آرمانهایش و با پیروزی‌اش بر دشمنان کامل بفرما؛ روح مطهر امام بزرگوار را با اولیائش محشور کن؛ ارواح طیبه‌ی شهدای عزیز ما را با اولیائشان محشور کن؛ هر جا مؤمنینی در راه مبارزه و جهاد فی سبیل الله هستند - به هر



نحوی از جهاد- آنها را بر دشمنانشان پیروز کن.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

- ۱) در ابتدای این دیدار - که در اولین روز ماه مبارک رمضان برگزار شد- جمعی از قاریان و گروه‌های جمع‌خوانی به تلاوت آیاتی از قرآن و تواشیح خوانی پرداختند.
- ۲) سوره‌ی فاتحه، آیه‌ی ۶؛ «به راه راست ما را راهبر باش.»
- ۳) سوره‌ی فتح، بخشی از آیه‌ی ۲۹؛ «... بر کافران، سختگیر [و] با همدیگر مهربانند...»
- ۴) سوره‌ی مریم، آیات ۸۱ تا ۸۲؛ «و به جای خدا، معبودانی اختیار کردند تا برای آنان [مایه‌ی] عزّت باشد. نه چنین است. بزودی [آن معبودان] عبادت ایشان را انکار میکنند و دشمن آنان میگردند.»
- ۵) سوره‌ی اسراء، بخشی از آیه‌ی ۸۱؛ «... آری، باطل همواره نابودشده‌ی است.»
- ۶) سوره‌ی نساء، بخشی از آیه‌ی ۱۲۲؛ «... و چه کسی در سخن، از خدا راستگوتر است؟»
- ۷) گفتگوی عاشقانه
- ۸) سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۳۹؛ «و اگر مؤمنید، سستی مکنید و غمگین مشوید که شما برترید.»
- ۹) سوره‌ی ممتحنه، بخشی از آیه‌ی ۴؛ «قطعاً برای شما در [پیروی از] ابراهیم و کسانی که با او هستند سرمشقی نیکو است: آنگاه که به قوم خود گفتند ما از شما و آنچه به جای خدا میپرستید بیزاریم؛ به شما کفر می‌ورزیم و میان ما و شما دشمنی و کینه‌ی همیشگی پدیدار شده تا وقتی که فقط به خدا ایمان آورید...»
- ۱۰) بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم در سالروز آزادسازی خرمشهر (۱۳۹۶/۳/۳)
- ۱۱) سوره‌ی بقره، بخشی از آیه‌ی ۲۶۰؛ «...فرمود مگر ایمان نیاورده‌ای؟ گفت چرا، ولی تا دلم آرامش یابد...»
- ۱۲) آقای مجید یراق بافان